

Research Article

Analysis of the Creation of the Universe from the Perspective of the Holy Quran

Talaat Kiani¹, Seyyed Reza Mousavi^{2*}, Arasto Mirani³, Reza Zarei Samangan⁴

Abstract

Creation includes what God has created in time and beyond time, and because we live in time, we are in a part of creation that is unstable, moving, evolving, and expanding. The philosophy of the creation of existence in six phases is among the subjects that have always occupied the searching human mind and has always been raised as a fundamental issue.

God created the universe for a specific goal and this world is moving towards that purpose and it is not prior to the "original matter", which is mentioned in different expressions in the Qur'an, and also about the existence of "water" in the beginning. It has also clearly cited the existence of seven heavens. The initial stages of the creation of the universe in the Qur'an, which are expressed under the common name of "Heavens and Earth", are for the purpose of guiding man towards the introduction of the greatness of God and better understanding and interpretation of the verses of the Qur'an, which are necessary for gratitude and thanksgiving to God. This is while all Beings have a single origin in creation. Therefore, due to the importance of the subject, we will examine the verses of the creation of "Earth and Heaven" with the title "Fi Settate Ayayam", and then, we shall express the opinions of the commentators.

Keywords: Quran, Creation, Universe, Three Stages

How to Cite: Kiani T, Mousavi SR, Mirani A, Zarei Samangan R., Analysis of the Creation of the Universe from the Perspective of the Holy Quran, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(59): 137-162.

1. PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Department of Theology and Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

2. Faculty Member, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Religious Psychology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

4. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Center for Management and Social Research and Development, Golestan University of Medical Sciences, Golestan, Iran

تحلیل آفرینش عالم از منظر قرآن کریم

طلعت کیانی^۱، سیدرضا موسوی^۲، ارسطو میرانی^۳، رضا زارعی سمنگان^۴

چکیده

آفرینش، آن چه که خداوند در زمان و فراتر از زمان خلق کرده را شامل می‌شود و چون ما در زمان زندگی می‌کنیم پس در قسمتی از آفرینش هستیم که بی‌ثبات و متحرک و در تکامل و گسترش است و فلسفه آفرینش در مدت شش روز، از جمله موضوعاتی است که همواره ذهن بشر جستجوگر را به خود مشغول کرده و به‌عنوان یک مسأله اساسی همیشه مطرح بوده است.

خداوند، عالم هستی را برای هدفی مشخص آفرید و این جهان، به سوی آن هدف در حرکت است و مسبوق به ماده اولیه نمی‌باشد که در قرآن به بیان‌های مختلف، از این آفرینش، سخن به میان آمده است و از وجود «آب» در ابتدای آفرینش، نام برده و این که آفرینش، در شش روز اتفاق افتاد و نیز به صراحت از وجود هفت آسمان سخن به میان آورده است.

مراحل آغازین آفرینش جهان هستی در قرآن که با نام مشترک «آسمان‌ها و زمین» بیان شده، به جهت هدایت انسان به سمت معرفی عظمت خداوند و فهم و تفسیر بهتر آیات قرآن می‌باشد که این‌ها لازمه شکرگزاری و حق شناسی است و این در حالیست که همه موجودات، دارای منشأ و مبدأ واحدی در آفرینش می‌باشند لذا به جهت اهمیت موضوع، آیات آفرینش «أرض و سماء» را با عنوان «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» مورد بررسی قرار داده و عقاید و آراء مفسرین را بیان خواهیم نمود.

واژگان کلیدی: قرآن، آفرینش، جهان هستی، سته ایام

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۲. عضو هیئت علمی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۳. استادیار گروه روانشناسی دینی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۴. استادیار گروه آموزشی اسلامی، مرکز تحقیقات و توسعه مدیریت و اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

مبحث آفرینش جهان هستی و کل موجودات، موضوعی است که در همه کتب آسمانی مطرح شده در حالی که قرآن کریم، این مسأله را به تفصیل بیان نکرده ولی در تورات، داستان آفرینش موجودات به طور مفصل مطرح شده است.

موضوع جهان هستی و طبیعت در قرآن کریم در آیات متعددی مطرح شده ولی شاید آیه‌ای که مستقلاً به آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمان‌ها و زمین پرداخته باشد را نیابیم؛ سخن گفتن در این مورد، معمولاً برای هدایت انسان به سوی بزرگی خداوند و عظمت حکمت‌هایی است که در آفرینش هستی به کار برده است که این موضوع، محرکی برای شکرگزاری و حق‌شناسی و شکوفایی معرفت فطری و حضوری انسان می‌باشد پس در قرآن کریم ضمن بیان چگونگی آفرینش موجودات در شش روز، اوصاف الهی را هم به انسان متذکر می‌شود یعنی در واقع قرآن، کتاب انسان‌ساز است و هر چه که بشر در راه کمال انسانی و تقرب به خدای متعال نیاز دارد را به وی می‌آموزد.

پروردگار عالم، خالق اولیه جهان است و همه چیز را آفریده؛ این دیدگاه از معنای فعل «فطر» در قرآن به دست می‌آید که متضمن معنای آفرینش جهان از عدم می‌باشد یعنی جهان هستی، از قبل وجود نداشته و ابداعی می‌باشد: «قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ وَ لِيَأْخُذَ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ» (انعام/ ۱۴) که در حقیقت کلمه «فاطر» از ماده «فطور» به معنی شکافتن است چنان‌که ابن عباس در تفسیر خود از این آیه، همین مطلب را تأیید می‌نماید. (طبرانی، ۲۰۰۸-۱۵) اما امروزه معنی «فاطر» را بهتر از ابن عباس و به کمک علوم روز می‌توان دریافت، چون این تعبیر با دقیق‌ترین نظریات علمی روز با پیدایش جهان هماهنگ است، چرا که طبق تحقیقات دانشمندان، عالم بزرگ (مجموعه جهان) و عالم کوچک‌تر (منظومه شمسی) همه در آغاز، توده واحدی بودند که بر اثر انفجارهای پی‌درپی از هم شکافته شدند و کیهان‌ها و منظومه‌ها و کرات به وجود آمدند، چنان‌که در آیه «أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا؛ آیا کافران نمی‌دانند آسمان و زمین به هم پیوسته بودند و ما آن‌ها را از هم جدا کردیم» (انبیاء/ ۳۰) این مطلب با صراحت بیشتری بیان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷۲)

در قرآن، آفرینش آسمان از «دود» می‌باشد که این دود از همان آب اولیه بوجود آمده است. «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» «سپس آهنگ آفرینش آسمان کرد و آن بخاری بود، پس به آن و به زمین فرمود: «خواه یا ناخواه بیایید». آن دو گفتند: «فرمان‌پذیر، آمدیم.» (فصلت/ ۱۱)

اکنون این مقاله در صدد آنست که فلسفه آفرینش عالم و چگونگی تکوین آن در شش روز را با استمداد از آیات «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» و با مدد از عقل و تحلیل محتوای اسناد، مطرح نماید.

پیشینه تحقیق

همواره داستان آفرینش هستی بعنوان یک مسأله بحث برانگیز و مهم در بین مردم خصوصاً در نگاه قرآن پژوهان، بوده و ذهن انسان به این سؤال معطوف شده که: «جهان هستی، چگونه آفریده شده است؟» که افراد، برای پاسخ به این سؤالات، دست به دامان طبیعت شده‌اند تا راز آفرینش را کشف کنند که گاه به پرستش طبیعت منجر شده است. (توفیقی، ۱۳۷۴: ۱۸)

در این زمینه دانشمندان و قرآن پژوهانی با ارائه نظریات مختلف به این موضوع پرداخته‌اند و نظراتی را ارائه داده‌اند که انسان متوجه شود آفرینش جهان عبث و بیهوده نیست و بداند که آن‌گاه که چرایی و چگونگی خلقت عالم را فهمید، زمینه رشد و تکامل معنوی اش فراهم خواهد شد.

مفسران نیز در کتب تفسیری، هرکجا که به آیات خلقت رسیده‌اند مانند دیگر آیات قرآن، بررسی تفسیری نموده و آیات را با دسته‌بندی و استعانت از روایات، تبیین کرده‌اند.

شهید مطهری ره بیان می‌دارد که ما اگر جهان را به یک اندام تشبیه کنیم می‌بینیم که مطالعه ما درباره این اندام دو گونه است: برخی مطالعات ما مربوط است به اعضای این اندام و برخی مربوط به کل اندام؛ که مثلاً از کی به وجود آمده و تا کی ادامه می‌یابد. آن قسمت از مطالعات ما که مربوط می‌شود به عضوشناسی جهان هستی، علم است و آن قسمت از مطالعات که مربوط می‌شود به اندام‌شناسی جهان، فلسفه است. (مطهری، ۱۴۰۰: ۱۳۰ و ۱۳۱)

محدثانی چون علامه مجلسی (۱۰۳۷) در جلد چهاردهم بحارالانوار که به کتاب السماء و العالم مشهور است با جمع‌آوری آیات و روایات متعدد و متنوع مربوط به آفرینش هستی و سپس بیان مؤیداتی از سخنان حکماء، فلاسفه و دانشمندان ملل مختلف عصر خود، به اثبات عقاید اسلامی پرداخته است.

محمد تقی جعفری (۱۳۹۷) در کتاب «آفرینش و انسان» مختصری از عبارات مسئله آفرینش جهان، را آورده و سپس، محور بحث را آفرینش انسان و ویژگی‌های آن قرار داده است. نیز در خصوص بررسی فلسفه آفرینش جهان، رساله و مقالات محدودی به چشم می‌خورد که تفاوت‌هایی با این مقاله دارد.

علی علوی‌پور (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ماهیت خلقت انسان در قرآن کریم و کتب عهدین» منحصراً خلقت انسان را بیان نموده که غایت حکیمانه‌ای که خداوند در مسیر خلقت عالم در

نظر گرفته، تکامل انسان و رسیدن او به درجات والای وجودی و در نهایت بهره‌مندی او از این کمالات و رشد و پیشرفت آدمی است.

در مقاله سید مهران موسوی (۱۳۹۶) با موضوع «مراحل آغازین آفرینش عالم از نظر تورات و بررسی آن در تطبیق با قرآن» بیشتر بحث در خصوص مراحل آغازین آفرینش می‌باشد و مؤلف چنین بیان می‌نماید که در قرآن به صراحت سخنی از آفرینش عالم از «هیچ» و «عدم» به میان نیامده است. محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۸۱) در کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» تمرکز اصلی بحث را مقایسه قرآن با نظریه‌هایی از علوم تجربی قرار می‌دهد و پس از بیان مهم‌ترین نظریه‌های علمی در خصوص پیدایش جهان، نکات تفسیری و اسرار علمی آیات را با ارائه نظرات مختلف بیان کرده است و در نهایت هیچ‌کدام از آراء را به صورت قطعی نپذیرفته است.

با این حال، هیچ‌یک از تلاش‌ها به بررسی چگونگی مراحل آغازین آفرینش جهان به شکل خاص و در قالب آیات «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» نپرداخته و نیز چرایی و چگونگی عالم در مدت شش روز و یا این‌که ماده اولیه جهان هستی چه چیزی می‌باشد، را مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار نداده و پاسخی بیان نکرده است.

چالش و مسأله تحقیق

هرچند در این زمینه، مطالعاتی انجام شده است لیکن بنظر می‌رسد علی‌رغم مطالعات انجام شده، هنوز پرسش‌های اساسی وجود دارد که پاسخ منطقی و دقیق به آن‌ها لازم و ضروری است؛ سوالات بنیادینی چون:

۱. چگونگی مراحل آغازین آفرینش جهان به چه شکل بوده است؟
 ۲. آیا آفرینش جهان هستی در مدت شش روز، منافاتی با «کن فیکون» خداوند ندارد؟
 ۳. ماده اصلی و نخستین در آفرینش هستی چه چیزی است؟
- که پاسخ دقیق و منطقی به آن‌ها هویت‌ساز بوده و می‌تواند به تحول عظیم در بینش، گرایش و منش آدمی منجر شود و در سعادت آدمی نقش مؤثر ایفا نماید و این‌جاست که انجام این پژوهش، ضرورت پیدا می‌کند.

روش تحقیق

برای پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا آیات مربوط به آفرینش عالم با عناوین «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» را بررسی نموده و سپس این آیات را به کمک آراء مفسران در تفاسیر متعدد و مختلف متون معتبر، تحلیل خواهیم کرد و در ادامه به تبیین فلسفه آفرینش عالم و چگونگی تکوین آن از منظر آیات قرآن خواهیم پرداخت و در پایان، نتیجه حاصل از این مباحث را خواهیم نگاشت.

روش تحقیق در این پژوهش تطبیقی، توصیفی - تحلیلی با رویکرد کلامی است، لذا این پژوهش، یک مطالعه‌ی تخصصی در آیات «خلق السموات و الارض فی سته ایام» می‌باشد که می‌تواند مسأله مهم چرایی و چگونگی آفرینش عالم را در یک پژوهش علمی، اما در بستر مبانی قطعی برآمده از قرآن و سنت مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

در نوشتار حاضر چگونگی خلقت آسمان‌ها و زمین را از منظر آیات قرآن بررسی خواهیم کرد و در مقایسه کتاب‌ها و مقالاتی که در این موضوع نگاشته شده، خواهیم دید که چه تفاوت‌هایی با این تحقیق دارند و درمی‌یابیم که این پژوهش یک کار نو و تازه می‌باشد.

بحث و بررسی

نظری به آغاز خلقت

سیر آفرینش جهان هستی، یکی از موضوعاتی است که در قرآن به شکل کلی ذکر شده است و متن قرآن به شکلی بی‌ریزی شده که به خاطر داشتن نکات دقیق، برای همه عصرها، جذابیت دارد. همواره این پرسش، اذهان و اندیشه بشر را به خود مشغول کرده که خلقت از کی و از کجا آغاز شده است؟ آیا ممکن است روزی انسان بداند کل هستی چگونه بوجود آمده است؟ و این کهکشان‌ها، ستارگان، سیارات، ماه و خورشید، زمین، صحرا، کوه‌ها، جنگل، حیوانات، حشرات، انسان‌ها، ماهیان و ... از کجا و چگونه پدید آمدند و بالاخره به این راز دست یابند؟

قرآن در پاسخ به این سؤالاتی که برای انسان بوجود می‌آید چند راهنمایی کلی ارائه داده و پژوهش در این خصوص را بر عهده خود بشر می‌گذارد تا با جهد و تلاش به این راز دست یابد و خوشبختانه ساختار انسان هم به گونه‌ای است که می‌تواند این راز را کشف کند، چرا که ذاتاً کنجکاو و جستجوگر و رازگشا است.

قرآن کریم، در ابتدا برای این که بفهماند همه آفرینش، به دست قدرت او آغاز گشته است، می‌فرماید: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ... خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین را بدون وجود ماده قبلی پدید آورده است.» (بقره/ ۱۱۷، انعام/ ۱۰۱) و گاهی با اشاره به وجود ماده و مایه پیشین حیات، می‌فرماید: «فَاَطْرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ... خداوند آفریننده آسمان‌ها و زمین است.» (زمر/ ۴۶) و نیز درباره پیدایش حیات بر روی کره زمین اشاره کرده و می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا. آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن‌ها را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم.» (انبیاء/ ۳۰) بنابراین، نخست کره زمین و اجرام آسمانی، همه به هم پیوسته بوده و مایه اصلی

آن‌ها یکی بوده است سپس از هم جدا شده‌اند، آن‌گاه آبی که مایه پیدایش حیات است پدید آمده و حیات در پی آن به وقوع پیوسته است.

و در ادامه، قرآن کریم انسان را به سیر و گردش و تفحص همه جانبه تشویق و ترغیب نموده و می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ... آیا ندیده‌اند که خداوند چگونه آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند، در حقیقت این کار بر خدا آسان است، بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است.» (عنکبوت/ ۱۹-۲۰) بنابراین بین گردش و جستجو در زمین و پی بردن به راز آفرینش یک رابطه مستقیم و تنگاتنگ وجود دارد و این از وظایف انسان جستجوگر است که برای پی بردن به راز خلقت جهان، بجوید و کشف نماید چرا که قرآن، فرمان می‌دهد بگردید و بنگرید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (النمل / ۶۹) که بر این اساس کاوش‌گران توانستند به رازهای آغازین آفرینش، عمر زمین و پیدایش آب و حیات دست یابند که گوشه‌ای از این ماجرا را در این مقال خواهیم آورد. (زمانی، ۱۳۷۹: ۱۳)

بررسی آفرینش عالم هستی در آیات «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...»

قرآن کریم به جزئیات و کیفیت داستان آفرینش جهان هستی در شش روز نپرداخته است اما می‌توان از لابلای برخی آیات و هم‌چنین از آیات ۹ الی ۱۱ سوره فصلت و نیز آیات ۳۰ الی ۴۰ سوره بقره، به کیفیت آفرینش در شش روز از دیدگاه قرآن پی برد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۰۰)

قرآن کریم خلقت موجودات را در شش روز بیان می‌دارد و در ۷ سوره که واژه «سته ایام» در آن‌ها دیده می‌شود، مختصراً به آفرینش آسمان، زمین و موجودات دیگر پرداخته است لذا با زیربنا قرار دادن این آیات به عنوان متن اصلی و با استفاده از آیات دیگر و تفسیر مفسران، داستان آفرینش را در شش روز از دیدگاه قرآن کریم پی می‌گیریم.

۱. «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يُطَلِّبُهُ حَيْنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با «پرده تاریک» شب و روز را می‌پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید که مسحَر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر جهان، از آن او است. پر برکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است» (اعراف/ ۵۴)

آیا جهان در شش روز آفریده شده؟

پاسخ این سؤال با توجه به مفهوم وسیع کلمه «ایام» (روزها) روشن می‌شود زیرا در برخی موارد کلمه «ایام» به معنی «دوران‌ها» به کار می‌رود بنابراین خداوند مجموعه زمین و آسمان را در شش دوران متوالی آفرید هر چند این دوران‌ها گاهی به میلیون‌ها یا میلیارد‌ها سال بالغ شده است و علم امروز هیچ‌گونه مطلبی را که مخالف این موضوع باشد بیان نکرده است.

سپس قرآن می‌گوید: «خداوند پس از آفرینش آسمان و زمین، زمام‌رهبی آن‌ها را به دست گرفت» (تَمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ) و این بدان معناست که نه تنها آفرینش از آن اوست بلکه اداره و رهبری جهان نیز با وی می‌باشد و کلمه عرش، چون در این آیه در مورد خداوند به کار رفته شده و منظور از آن عرش خداست، لذا به معنی مجموعه کل جهان هستی است که در حقیقت تخت حکومت پروردگار محسوب می‌شود بنابراین در آیه مورد بحث، جمله «اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» کنایه از احاطه کامل پروردگار و تسلط او بر تدبیر امور آسمان‌ها و زمین بعد از خلقت آن‌هاست. (همان و جمعی از فضلا، ۱۳۸۶: ۵۴) دیدگاه علامه طباطبایی ره در تفسیر این آیه چنین است که: مراد از روز، قطعه‌ای از زمان و دوران مشخص و معینی می‌باشد، پس شکل‌گیری و ایجاد آسمان‌ها و زمین در طی مراحل متفاوتی به اتمام رسیده، مانند مرحله گداخته شدن و مرحله تشکیل و انعقاد و غیر این‌ها... و «استواء» به معنای تسلط و استقرار بر چیزی است و «عرش» به معنای تختی سقف‌دار می‌باشد که پادشاه بر آن می‌نشیند، اما عرش خدا چیزی است که بشر تنها نام آن را می‌شناسد و از درک حقیقت آن عاجز است و بعضی گفته‌اند عرش خدا، همان ملک اعلاء و کرسی او فلک کواکب است، لیکن باید دانست که مثلا در یک جامعه مترقی اعمال جزئی تنوع فراوانی دارند و هر قسمت و دایره‌ای از این جزئیات دارای مدیر و سرپرستی است که او دارای منصب و کرسی خاص می‌باشد و برای هر مجموعه‌ای یک مدیر کل وجود دارد که منصب و کرسی او فوق سایر مناصب است و این امر ادامه دارد تا زمام امور به یک شخص واحد مثل پادشاه می‌رسد که در بحث ما صاحب عرش نامیده می‌شود و اثر این وحدت، در عین کثرت، این است که امور تحت نظم واحد اداره می‌شوند و این نظام اعتباری و قراردادی در اصل از نظام تکوین اخذ شده است چون در عالم وجود، حوادث جزئی به علل جزئی مربوط به خودشان منتهی می‌گردند و آن‌ها نیز به نوبه خود به اسباب دیگری منتهی می‌شوند تا سرانجام همه، به ذات مقدس پروردگار می‌رسند که او محیط بر همه چیز است و بر ملک خود استیلا کامل دارد و او قائم به ذات خود و قیوم برای کل ماسوی‌الله و عالم هستی می‌باشد، لذا «عرش» در واقع مرحله‌ای از مراحل وجود است که زمام جمیع حوادث و اسمایی که علت وجود آن حوادثند و ترتیب و ردیف کردن سلسله اسباب و علل منتهی به آن مرحله می‌باشند لذا عبارت «تَمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» کنایه از استیلا و تسلط خداوند بر ملک خود و قیام او به تدبیر امور آن می‌باشد، بطوری که هیچ موجود کوچک یا بزرگی از دایره تدبیر او ساقط نمی‌شود و تحت

نظامی دقیق همه آن‌ها را سازمان می‌دهد و هر موجودی را به کمال مطلوبش می‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۸۷)

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هر چند خداوند توانایی داشت که در یک چشم برهم زدن این کار را انجام دهد، لکن آن‌ها را در شش روز آفرید تا با این کار، آن‌چه را که از آسمان‌ها و زمین می‌آفریند، کم‌کم و یکی‌یکی به ملائکه نشان دهد تا به وجود آمدن هریک از آن‌ها، در هر مرتبه، برای ملائکه، دلیلی باشد بر قدرت خداوند. (برازش، ۱۳۹۶: ۱۷۰)، (طریحی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

۲. «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ، يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا بَعْدَ إِلَاحَةٍ إِلَيْهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ أَقْلًا تَذَكَّرُونَ. پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید سپس بر تخت «قدرت» قرار گرفت و به تدبیر کار پرداخت، هیچ شفاعت‌کننده‌ای جز با اذن او نیست؛ این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید. آیا متذکر نمی‌شوید؟!» (یونس / ۳)

سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود این‌که خداوند تبارک و تعالی قدرت داشت جهان را به طرفه‌العین خلق فرماید وجه این‌که جهان و هستی را در شش روز خلق فرموده‌اند چیست؟ با این‌که آفریدگار هستی بر هر کار و هر چیزی تواناست و قادر بود که آسمان‌ها و زمین را به یکباره پدید آورد، چرا آن را در شش روز و شش هنگام پدید آورد؟

پاسخ این است که این آفرینش تدریجی به خاطر رعایت مصلحت فرشتگان و عبرت‌آموزی آنان در آگاهی از سیر آفرینش است. از طرف دیگر هدف از این کار، رشد و تکامل انسان‌ها و دگرگونی مطلوب در سازمان وجودی آنان و تفکرشان و عبرت‌آموزی، در مراحل گوناگون پیدایش زمین و رویش تدریجی درختان است. با این‌که برای خدا آسان بود که همه این کارها را در یک لحظه و از آن هم کمتر، پدید آورد و نظام بخشد، اصل تدریج را مقرر فرمود؛ چرا که شیوه تدریجی پدیدار شدن زمین و آسمان و شگفتی‌های گوناگون آن‌ها، پندار بی اساس تصادف و اتفاق در آفرینش را ضعیف‌تر و بی اساس‌تر جلوه می‌دهد و روشن‌گری می‌کند که این همه نظم شگرف و زیبایی تحسین برانگیز و اندازه‌گیری تدریجی و لحظه به لحظه را گرداننده‌ای دانا و توانا تدبیر می‌کند.

در آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَيَّ الْعَرْشِ» منظور از عرش، آخرین عوالم جسمانی است که محیط به کرسی و سماوات و ارض است و معنی استوی یعنی تدبیر امور و از آن‌جا است که می‌شود تشبیه به جلوس سلاطین بر اریکه سلطنت که تدبیر امور مملکت می‌کنند. (طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۵ و ۳۴۶) به باور عده‌ای، منظور از واژه «عرش» در این آیه، آسمان‌ها و زمین است؛ چرا که آن‌ها بنای هستی اوست و نیز این واژه، در فرهنگ واژه‌شناسان، به مفهوم بنا آمده است اما آن عرش پرشکوه و بزرگی که فرشتگان، به

گردش بر گرد آن فرمان یافته و به تکریم آن موظف شده‌اند، چیزی جز واژه «عرش» در آیه مورد بحث است.

عده‌ای دیگر برآنند که «ثم» برای نشان دادن مفهوم تدبیر در کارها آمده و منظور این است که: خداوند پس از آفرینش آسمان‌ها و زمین، به تدبیر امور آن‌ها پرداخت، درست همان‌گونه که مفهوم استقرار فرمانروا بر تخت فرمانروایی، به آن است که به تدبیر امور و تنظیم شئون کشورش بپردازد و با درایت و اقتدار آن را اداره کند و از سوی دیگر بدان دلیل که تدبیر همه کارها از سوی «عرش» انجام می‌پذیرد، در این جا نام عرش به کار رفته و به همین دلیل است که مردم برای خواستن نیازها و خواسته‌های خویش دست به سوی عرش بلند می‌کنند.

ابو مسلم گفته است عرش یعنی ملک و برترین مخلوقات خداوندی و چون دیگر آفریده‌ها پس از ایجاد آسمان و زمین پیدا شد پس معنی «ثُمَّ اسْتَوَى» یعنی سپس مسلط شد، درست است با این که به معنی تأخیر است، چون استواء بر مخلوقات پس از ایجاد آن‌ها است، پس مقصود، تأخیر به رتبه است نه به زمان؛ پس مقصود اینست که آفریدگار هستی با نظام بخشیدن به کارهای کوچک و بزرگ جهان هستی و یا به جریان افکندن آن‌ها بر اساس اصل محاسبه و اندازه‌گیری و تدریج و با منظور داشتن استحکام و دوام و فرجام آن‌ها، کار جهان هستی را تدبیر می‌کند. (طبرسی، ۱۳۸۴ ش: ۱۰۵)

حجه الاسلام و المسلمین محسن قرائتی در تفسیر نور چنین بیان می‌دارد که: مراد از شش روز، شش روزگار و شش مرحله و دوران در آفرینش است و ممکن است مراد از آن، مدتی برابر شش روز باشد و «عرش»، مرکز تدبیر و کنایه از قدرت است و سلطه‌ی خداوند، هم پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین بر هستی بوده، «وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» هم پس از خلقت آن‌ها و پس از پایان جهان و در قیامت هم سلطه الهی بر همه هستی باقی است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵۳۷)

در تفسیر اثنی عشری چنین آمده است که «إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ» به تحقیق پروردگار شما خدای تعالی است «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» آن ذاتی که ایجاد فرمود و بیافرید آسمان‌ها و زمین‌ها را که اصول ممکنات و بزرگترین اجسام عالم دنیا هستند «فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» در مقدار شش روز ایام دنیا و در آن مدت آن را اختراع و ابداع فرمود به عجائب و بدائع بی‌شمار، با آن که قادر بود به یک طرفه‌العین آن را ایجاد کند تا تعلیم بندگان باشد که در کارها تعجیل نکنند «التَّائِي مِنَ الرَّحْمَنِ وَالْعَجَلَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ». (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش: ۹۵)

تبیین برخی محققین در علت تخصیص خلق عالم به شش روز بیان نموده که افعال سبحانی، مبتنی بر حکم و مصالحی است و حکمتش اقتضا نموده که افعالش بالنسبه به مخلوقات بر دو قسم است:

قسم اول خلقی است که صادر شود از او در هرآنی به اراده دفعیه بدون توقف بر ماده و مدت.

قسم دوم مخلوقاتی است که صدور آن بعد از مدتی است که عادت به آن جاری گشته است. در تفسیر روح البیان، روز یعنی از طلوع تا غروب آفتاب و چون روز و خورشیدی نباشد سَنَةِ آیام چگونه تصوّر دارد، یا این که قدرت خلقت به یک آن می‌آفریند پس مقصود اشاره است به آرامش و آهستگی در کارها و البته شتاب روا نیست. (حقی، ۱۱۱۷ق: ۱۱۵)

آفرینش در این مدّت بموجب اقتضای حکمت است که مواد فراهم شوند و هر چیزی بجای خود نهاده شود و آماده گردد تا به آن مرحله آخر که شایسته است برسد پس عدد شش نه برای اندازه پدیداری است بلکه برای نشان دادن درستی تدبیر و تقدیر خداوندی است در آفرینش جهان تا آن جا که این آفریده‌ها به آخرین پایه خلقت خود برسند پس ممکن است مقصود از کلمات «سَنَةِ» و «آیام» شش هدف و دورانی باشد که خداوند به قانون تطوّر که برای آسمان و زمین قرار داده برگذار نموده و به آن رسیده باشند و یا مقصود شش گونه زیر و زبر شدن و تطوّر و تحوّل باشد و یا شش دور فلکی باشد غیر از آن چه ما از منظومه شمسی خود می‌دانیم و مقیاس زمان برای خود قرار داده‌ایم و در هر صورت آفرینش در شش روز از مطالب غیبی است که کس را به آن دسترسی نیست. (قطب، ۱۴۰۸ق: ۱۷۵)

بنابراین مقصود از ایام، همین روزهای دنیا است و این معنی مناسب‌تر است چون می‌فهماند این مقدار اجسام با این عظمت در چنین مدّت کوتاه درست شده است نشانه کمال قدرت است و جهت ذکر مدّت با قدرت ایجاد در کمتر از لحظه برای راهنمایی و پند در انجام کارها با فرصت و مهلت می‌باشد.

۳. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ. او کسی است، که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدام یک عملتان بهتر است و اگر (به آن‌ها) بگویید: «شما

بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید» مسلماً کافران می‌گویند: «این سحر آشکار است!» (هود/۷) ابرش نزد امام صادق علیه السلام رفت و به او گفت: در مورد این کلام خداوند که می‌فرماید: آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آن‌ها را از یکدیگر باز کردیم (انبیاء/۳۰) به من بگو که بسته بودنشان چه بود و گشودنشان چه بود؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: «ای ابرش! آن به همان صورت است که خود خدا وصف نمود: كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ وَ آبٌ بَرُّ هَوَا بُود وَ هَوَا رَا مَرزِي نَبُود؛ آن روز جز آن دو، مخلوقی نبود؛ آب آن روز شیرین و گوارا بود و چون خدا خواست تا زمین را بیافریند، باد را فرمود تا بر آب بوزد، باد وزید و موج و کف ایجاد کرد، [خداوند] آن کف‌ها را در مکانی که هم اکنون جایگاه کعبه است جمع کرد و کوهی از کف ساخت و زمین را از زیر آن گستراند.» (برازش، ۱۳۹۶: ۵۹۶) (مجلسی، ۱۰۳۷: ۷۲) (عیاشی، ۳۲۰: ۱۴۰)

در تفسیر نمونه گفته شده که در این آیه از سه نکته اساسی بحث شده است، نخست از آفرینش جهان هستی و مخصوصاً آغاز آفرینش که نشانه قدرت پروردگار و دلیل عظمت او است، می‌فرماید: «او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید» و منظور از «روز» دوران است، خواه این دوران کوتاه باشد و خواه بسیار طولانی و حتی به مقدار میلیاردها سال؛ سپس اضافه می‌کند «و عرش خداوند بر آب قرار داشت. وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۲۷)

در آغاز آفرینش، جهان هستی به صورت مواد مذاب یا گازهای فوق العاده فشرده که شکل مواد مذاب و مایع را داشت، بود.

سپس در این توده آب‌گونه حرکات شدید و انفجارات عظیمی رخ داد و قسمت‌هایی از سطح آن پی‌درپی به خارج پرتاب شد، این اتصال و به هم پیوستگی به انفصال و جدایی گرایید و کواکب و سیارات و منظومه‌ها یکی بعد از دیگری تشکیل یافتند بنابراین جهان هستی و پایه تخت قدرت خدا نخست بر این ماده عظیم آب‌گونه قرار داشت.

دومین مطلبی که در این آیه به آن اشاره شده، هدف آفرینش جهان هستی است، همان هدفی که قسمت عمده‌اش به «گل سر سبد این جهان» یعنی «انسان» باز می‌گردد، انسانی که باید در مسیر تعلیم و تربیت قرار گیرد و راه تکامل را بیوید و هر لحظه به خدا نزدیک‌تر شود، می‌فرماید: این آفرینش با عظمت را به این خاطر قرار داد که شما را بیازماید تا کدامین بهتر عمل می‌کنید. (لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا).

سومین مطلبی که در این آیه به آن اشاره شده مسأله معاد است که پیوند ناگسستنی با مسأله آفرینش جهان و هدف خلقت دارد لذا می‌گوید: «اگر به آن‌ها بگویی شما بعد از مرگ برانگیخته می‌شوید، کافران از روی تعجب می‌گویند: این باورکردنی نیست، این حقیقت و واقعیت ندارد، بلکه این تنها یک سحر آشکار است» (وَ لَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ) (همان و جمعی از فضلا، ۱۳۸۶: ش: ۱۲۵)

نظیر این آیه، همراه با تفسیرش در سوره اعراف، آیه ۵۴ در جلد سوم بیان شد وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ که مراد از عرش خدا قدرت و سلطه اوست و معنای آب، روشن است؛ این آیه نشان می‌دهد که آب، پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین وجود داشته است اما این آب از کجا آمد؟ آیا آرام و راکد بوده است؟ که در این مورد، آیه و یا روایت متواتر، چیزی را نشان نمی‌دهد و عقل به تنهایی نمی‌تواند درباره آن آگاهی داشته باشد.

نخستین ماده‌ای که جهان هستی از آن به وجود آمد، هیچ‌گونه شرح و تفسیری درباره آن در دسترس ما نیست، مگر سخن خداوند که فرمود: باش، پس به وجود آمد و اگر کسی این مطلب را از ما

نپذیرد، این سخن خدا را می خوانیم: «لَکُمْ دِیْنُکُمْ وَ لَیْ دِیْنِ. شَمَا رَا دِیْنِ خُودٍ وَ مَرَا دِیْنِ خُودٍ» (مغنیه، ۱۳۸۶ ش: ۲۴۰)

در تفسیر مخزن العرفان چنین آمده است که این آیه اخبار است که خدای جلیل از ترتیب آفرینش عالم مادیات خبر می دهد که آسمانها و زمین را در مدت شش روز آفریدم چون پیش از خلقت آسمانها و زمین، شب و روزی نبود که شش روز تعبیر گردد، شاید مقصود این است که انشاء آنها به مقدار شش روز از روزهای دنیا بوده و شاید مقصود از یوم، روزهای ربوبی باشد که به مقدار هزار سال از ایام دنیا بشمار آورده شده است. (وَ اِنَّ یَوْمًا عِنْدَ رَبِّکَ کَالْفِ سَنَةِ مِمَّا تَعُدُّوْنَ) (حج/۴۶) و اگرچه حق تعالی به قدرت تامه خود توانا بود که تمام عالم را به یک چشم بهم زدن بلکه اسرع از آن ابداع و انشاء نماید لکن حکمت و علم به صلاح چنین ایجاب نموده که عالم مادیات و طبیعیات را بتدریج بیافریند چنانچه امور طبیعیات نیز بتدریج واقع می گردد. (امین، ۱۳۶۲: ۹۵)

ابوالفتوح در تفسیر عاملی نوشته است: «و مراد به شش روز آن است که بتقدیر شش روز از برای آن که روز عبارت باشد من طلوع الشمس الی غروبها و آن که آفتاب نبود.» (عاملی، ۱۳۵۹ ش: ۲۵۰)

آیا مقصود از این ایام همین روزهای دنیا است یا چنان که از ابن عباس نقل شده است که مقصودش «روز» از روزهای آخرت است که هر روزی هزار سال است بدلیل این آیه (وَ اِنَّ یَوْمًا عِنْدَ رَبِّکَ کَالْفِ سَنَةِ مِمَّا تَعُدُّوْنَ) یعنی روز به پیشگاه خدا مثل هزار سالی است که شما در حسابهای خود منظور می - دارید؟ قاضی گفته است مقصود همین روزها است که مردم می توانستند بفهمند ولی چون در تورات و انجیل ایام آخرت گفته شده است و مردم بواسطه معاشرت با یهودی و مسیحی از این معنی مطلع بوده اند ممکن است که مقصود ایام آخرت باشد. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۸)

عبده: یعنی آرزوهای خداوندی که مدّت ایجاد و تکوین است و دوره های تحویل و تحوّل موجودات است، نه مقصود روزهای ما باشد که جزء آفرینش این موجودات پیدا شده است، و مؤید این نظر آیات قرآن است (وَ اِنَّ یَوْمًا عِنْدَ رَبِّکَ کَالْفِ سَنَةِ مِمَّا تَعُدُّوْنَ) و «تَعْرُجُ الْمَلَائِکَةُ وَ الرُّوحُ اِلَیْهِ فِی یَوْمٍ کَانَ مَقْدَارُهُ حَمْسِیْنَ اَلْفَ سَنَةٍ» و در علم هیئت ثابت شده است که در کره های دیگر، شبانه روز تفاوت دارد با شبانه روز کره زمین ما بموجب اختلاف حجم و بعد و سرعت حرکت آنها، و این خورشیدهای نورانی با ستاره - های روشن که بدور آنها هستند و باصطلاح قرآن از دخان و به زبان علم امروز از سدیم تکوین و تکمیل شده است، البته هر روزی از مدّت این ایجاد و تکمیل برابر است با میلیون ها سال شمسی ما بلکه با میلیون ها سال سرعت حرکت نور.

تبیان: این جمله می فهماند که عرش خداوند بر آب است و آب به چیزی تکیه ندارد و این خود بهترین و برتر وسیله است برای باریک بینی انسان و فکر او در آفرینش و ایمان به حق.

ابو مسلم گفته است: عرش بمعنی ساختن است بدلیل این جمله قرآن «وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» از آن چه می‌سازند» و معنی جمله این است که ساختمان خداوندی بر روی آب بود و این گونه کار البته مهم‌تر و عجیب‌تر است. (طبرسی، ۱۳۸۴: ۱۶۴)

اصم گفته است: معنی جمله این است که عرش ما فوق آب است مثل این که بگوئیم آسمان بر زمین است یعنی بر بالای آن است نه این که چسبیده به آن است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰۳)

عبده: از این جمله و نظایرش می‌فهمیم که آن چه زیر عرش هست و فرمان و تدبیر ایجاد خلق بر آن وارد می‌شود این ماده‌ی زندگی عموم موجودات جاندار است که نامش آب است.

مفسر تفسیر احسن الحدیث چنین بیان می‌دارد که این آیه به نظرم در رابطه با آنست که آسمان‌ها و زمین برای آن آفریده شده‌اند تا انسان در مسیر راه خداوند واقع شود و آن آمدن پیامبران را لازم گرفته چنان که در آیه سوم سوره یونس گفته شده: «فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» و این نمی‌شود مگر آن که «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ» نازل شود، که در این جا سه مطلب مطرح می‌باشد:

اول منظور از شش روز چنان که در آیه ۵۴ اعراف گفته‌ایم شش دوران است که شاید هزاران سال باشد، آسمان‌های هفت‌گانه و زمین در شش دوران آفریده شده است به حکم: قُلْ أَأَنْتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنٍ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَاداً ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (فصلت ۹) زمین در دو روز (دو دوران) آفریده شده است، مراد از دوران اول شاید آن باشد که زمین به صورت توده‌ی گاز گرم از خورشید جدا شد و در دوران دوم در اثر کم شدن حرکت و حرارت به صورت مذاب درآمد، مواد مذاب مرکز زمین شاهد این گفته است و آن‌گاه در چهار روز (چهار دوران) پوسته‌ی زمین منجمد شد، کوه‌ها در اثر فشار حرارت مرکزی بوجود آمدند، دریاها که به صورت ابر در آسمان بودند به شکل باران به زمین ریخته و دریاها تشکیل شدند، به تدریج وسائل زندگی پدیدار شد چنان که فرموده: وَ جَعَلْ فِيهَا رِوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكْ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لِيُنَبِّئَهُنَّ (فصلت / ۱۰)

در عرض چهار دوران گذشته از گازهای غلیظ و سیاه که به شکل دود از زمین به وقت منجمد شدن بیرون آمده و اطراف زمین را فراگرفته بود، آسمان‌های هفت‌گانه در دو روز (دو دوران) بوجود آمدند و از این که خدا به زمین و آسمان‌ها یک دفعه فرمان داده می‌دانیم که دو دوران آسمان‌ها با چهار دوران زمین، متداخل هستند چنان که فرموده: ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنٍ وَ أُوحِيَ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرُهَا (فصلت / ۱۱، ۱۲)

دوم این که مضمون «وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْأَمَاءِ» آنست که حکومت خدا، در موقع خلقت آسمان‌ها و زمین فقط بر آب بود، منظور از این آب چه آبی است؟ اگر بگوئیم: منظور آب مذاب است و زمین آن موقع چنان که از مواد مرکز آن پیدا است، یکپارچه مذاب بود، در این صورت معلوم می‌شود که آن وقت

آسمان‌های هفت‌گانه و خلق فرمود آسمان‌ها و زمین‌ها را در شش روز و حال آن‌که قدرت داشت بر ایجاد آن‌ها با یک چشم بر هم زدن ولیکن بیافرید در شش روز تا ظاهر فرماید بر ملائکه، خلق آن‌ها را به تدریج و استدلال نمایند بر حدوث حادثات بر وجود حق تعالی مرتبه‌ای بعد از مرتبه‌ای و ایجاد عرش را نفرمود به جهت احتیاج، زیرا ذات سبحانی بی‌نیاز است از عرش و جمیع خلق و وصف نشود به بودن بر عرش، زیرا منزله از جسم و جسمیت و متعالی است از صفات خلق. (بحرانی، ۱۴۱۵:ق: ۱۱۹)

۴. «الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَأَلُ بِهِ خَبِيرًا. هَمَانَا (خدای) که آسمان‌ها و زمین و آن‌چه را میان این دو وجود دارد، در شش روز (شش دوران) آفرید سپس بر عرش «قدرت» قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است.» (فرقان/۵۹)

در تفسیر روان جاوید چنین آمده است که: آن خداوندی که آفرید آسمان‌ها و زمین را در شش روز پس مستولی شد بر عرش و این اشاره به آن است که امور، بتأنی و تدریج باید انجام بگیرد و خداوند با کمال قدرت در خلقت با تأنی و به تدریج اقدام فرموده‌اند. (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱۷۵)

این آیه ملک و سلطنت مطلق را برای خداوند ثابت می‌کند چون او بواسطه علم و قدرت مطلقه، آفریننده آسمان‌ها و زمین و مسلط بر عرش است و دارای سلطه حکم و تصرف می‌باشد و در ادامه می‌فرماید او رحمان است، همان بخشنده‌ای که خلق و امر عالم، قائم به رحمت و افاضه اوست و تمامی موجودات از ناحیه او پدید آمده و در نهایت بسوی او باز می‌گردند، پس حقیقت حال را از چنین کسی بپرس که او خبیر است و حقیقت را آن‌چنان شرح می‌دهد که به هیچ وجه بطلان و ابطال در آن راه نخواهد داشت. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۵۶)

(الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَأَلُ بِهِ خَبِيرًا. هَمَانَا (خدای) که آسمان‌ها و زمین و آن‌چه را میان این دو وجود دارد، در شش روز (شش دوران) آفرید سپس بر عرش «قدرت» قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است.» (فرقان/۵۹)

در خصوص جمله (فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ) سؤالاتی مطرح است که:

اولاً: هنگام خلقت آسمان‌ها و زمین‌ها روز و شبی نبود پس معنای سته ایام چیست؟

پاسخ: مراد، مدت است که مطابق شش روز مدت زمان که خلق فرموده‌اند.

و ثانیاً: خداوند قدرت دارد به مجرد اراده‌ای الوجود، تمام موجود شوند پس مدت برای چه؟

پاسخ: خلقت الهی بر وفق حکمت و مصلحت است یعنی هرگاه اقتضاء فوریت می‌کند فوراً خلق می‌شود و اگر مقتضی تدریج است، تدریجاً آفریده می‌شود مثل خلقت حضرت عیسی علیه‌السلام که فوراً خلق می‌شود و هم‌چنین حضرت آدم علیه‌السلام و بقیه انسان‌ها که در مدت نه ماه تقریبی تدریجاً خلق می‌شوند.

و ثالثاً این که حکمت خلقت این ها چیست؟

پاسخ: این که خلقت آن ها برای انسان است که بیاید در دنیا و تکمیل شود و سعادت یابد چنان چه می فرماید: (خلق لكم ما فى السموات و الارض)

و رابعاً: این که آیه منافی است با آیاتی که در سوره فصلت است که می فرماید:

(خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ) بعد می فرماید (وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ) سپس می فرماید (فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ) که مجموع این ها، هشت روز می شود در حالی که آیه، شش روز بیان می کند؟

در پاسخ به سؤال چهارم باید گفت که در واقع منافاتی ندارد چرا که مراد از کلمه «فی اربعة ايام» یومین قبل است که مجموع اربعة ايام است. (طیب، ۱۳۷۸: ۳۴۶)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ: آن خداوندی که به قدرت کامله بیافرید آسمان ها و زمین ها را،
وَمَا بَيْنَهُمَا: و آن چه در میان آن هاست از موجودات،

فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ: در مقدار شش روز از ايام دنیا یا از ايام آخرت که هر روز آن هزار سال است، با وجود قدرت بر ایجاد آن ها به اراده محضه، به جهت آنست که تا بندگان تأمل کنند در این که حق تعالی با وجود کمال قدرت و سرعت نفاذ امر او در هر چیز، خلق اشیاء فرمود بر سبیل تأنی و تدریج؛ و بواسطه این کارها تعجیل نکرده، تأنی را شعار خود سازند که «التأنی من الرّحمن و العجلة من الشیطان». چنان که از سعیدبن جبیر نقل شده که خلق فرمود در شش روز و حال آن که قادر بود در یک لحظه خلق فرماید، برای این که تعلیم فرماید خلق را مدارا و تثبت و در اختیار این عدد حکمت و مصلحت باشد که ما را علم به آن نیست و دانستن آن هم ضروری نیست.

ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ: پس مستولی شد اراده او بر آفرینش عرش یا مستولی و غالب گشت بر آن؛ و تخصیص عرش به استیلای حق تعالی بر آن به جهت آنست که عرش اعظم مخلوقات است یا مستولی شد بر عرش به قهر و غلبه خود.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام: «استوی علی کل شیء فلیس شیء اقرب الیه من شیء. مستولی شد بر هر شیء، پس نیست چیزی نزدیک تر به او از چیزی، یعنی تمام اشیاء در پیشگاه الهی مساوی است.» (اثنی عشری و شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۴۱)

۵. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ». خداوند کسی است که آسمان ها و زمین و آن چه را میان این دو است، در شش روز (شش دوران) آفرید، سپس بر عرش «قدرت» قرار گرفت؛ هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست؛ آیا متذکر نمی شوید؟! (سجده/ ۴)

خداوند به حق که مستجمع تمام صفات کمالیه و منزّه از کلیه نقایص و سزاوار پرستش و ستایش باشد، آن ذاتی است که به قدرت کامله و حکمت شامله، ایجاد فرمود آسمان‌ها و زمین‌ها را و آن چه در میان آن‌ها است از جمادات و حیوانات و نباتات و غیر آن، در شش روز، یعنی در زمانی که مساوی باشد با مقدار زمان شش روز از دنیا، زیرا ایجاد شیئی بعد از شیئی دیگر به ترتیب اول، دلیل باشد بر این که فاعل و بوجود آورنده آن، علیم و حکیم است که تدبیر فرماید بر مقتضای حکمت و نیز به بندگان، تثبیت و تأنی در امور را تعلیم دهد.

نزد بعضی، مراد ایام ربانیه است چنان چه در آیه شریفه می فرماید: «وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ» و جمعی دیگر مراد را ایام امری می دانند چنان چه می فرماید: «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ». لکن عمده مفسرین بر قول اول هستند.

شیخ طبرسی رحمه الله فرماید: مقدار زمان، شش روز از ایام دنیا و حق تعالی قدرت داشت به یک لحظه همه را ایجاد فرماید، لکن ایجاد فرمود در این مدت به مصلحت و حکمت، و مرتب فرمود بر ایام هفته. (طبرسی، ۱۳۸۴: ۴۲۷)

در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که شخصی از پیغمبر صلی الله علیه و آله تسمیه ایام را سؤال نمود و ایشان فرمودند: روز یکشنبه اول روزی بود که خدا خلق فرمود دنیا را، دوشنبه دوم روز بود، سهشنبه سوم روز چهارشنبه چهارم روز، پنجشنبه پنجم روز و روز جمعه روزی بود که خدا خلق فرمود آدم علیه السلام را و روزی بود که روح در او دمیده شد تا آخر که فضیلت روز جمعه را فرماید. (مجلسی، ۱۰۳۷: ۱۰۱) (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ق: ۴۷۱)

۶. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ. مَا أَسْمَانُهَا وَزَمِينُهَا فِي شَشِّ رَوْز (شش دوران) آفریدیم و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید. (با این حال چگونه زنده کردن مردگان برای ما مشکل است؟)» (ق/ ۳۸)

ابن عباس گوید: یهودیان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و درباره خلقت آسمان‌ها و زمین از وی سؤال کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند زمین را روز دوشنبه خلق نمود.

و نیز گویند روز یکشنبه و دوشنبه خلق نمود و کوه‌ها و آن چه در آنست روز سهشنبه خلق نمود و درخت و نباتات و آب و ارزاق را روز چهارشنبه خلق فرمود و نیز گویند شهرها و آبادی‌ها را نیز در این روز خلق کرد و آسمان‌ها را روز پنجشنبه آفرید و ستارگان و ماه و آفتاب و فرشتگان را در روز جمعه آفرید.

سپس یهود پرسیدند: یا محمد پس از این خلقت و آفرینش، خداوند به چه کاری پرداخت؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» را قرائت فرمودند یعنی سپس به استیلائی بر عرش که حاکی از قوت و قدرت بی پایان خداوند است، پرداخت.

آیه‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه نخست از مسأله خالقیت سخن می‌گوید و می‌فرماید: «او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید» و مسأله «خلقت در شش روز» هفت مرتبه در قرآن مجید ذکر شده است که نخستین مرتبه در آیه ۵۴ سوره اعراف و آخرین مورد آن همین آیه می‌باشد و منظور از «یوم» (روز) در این آیات روز معمولی نیست، بلکه منظور از آن «دوران» است خواه این دوران کوتاه باشد، و یا طولانی هر چند میلیون‌ها سال به طول انجامد بعد به مسأله حکومت و تدبیر جهان پرداخته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۰۰)

قرآن و آفرینش عالم

در اکثر داستان‌های قرآن به ویژه در داستان آفرینش، نقش خداوند به عنوان عنصر اصلی در خلقت و آفرینش جهان هستی می‌باشد و کلمه «الله» بسیار دیده می‌شود، بنابراین تنها خالق جهان هستی، خداوند بزرگ است.

آفرینش جهان هستی در مدت زمان شش روز اتفاق افتاده است و آغاز خلقت از آسمان و زمین شروع شده است، زیرا در قرآن آمده است: «ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض...» و هم چنین پایان داستان آفرینش، خلقت آدم است؛ خداوند در قرآن نیز پس از آفرینش آسمان و زمین و مابین آن‌ها، فرموده است: «انی جاعل فی الارض خلیفه...»

با توجه به متن قرآن کریم و با استفاده از تفاسیر مختلف دانستیم که مدت آفرینش عالم، شش روز است از این رو قرآن، صراحتاً واژه سته ایام را در هفت آیه آورده است و این نشان از اهمیت موضوع و مطلبی است که مورد توجه قرار گرفته است. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» و نیز در قرآن کریم فلسفه آفرینش همه مخلوقات، آسایش و راحتی انسان ذکر شده است و چنین آمده که: «الم تروا ان الله سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَوَاتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ...» (لقمان / ۲)

خداوند منان، در داستان آفرینش هستی، دستور تکوینی الهی «باش و چنین شد» متحد و هماهنگ داده است یعنی پیش از این جمله، دستور (باش) که همان وجود و هستی باشد از ذات حق- تعالی صادر شده و در پایان از قول موجودات، جمله «چنین شد» را حکایت کرده است و عین واژه را در امر خلقت آورده است: «إِذَا قَضَى الْأَمْرَ فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ...» (بقره / ۱۱۷)

داستان آفرینش جهان، در قرآن به صورت کلی مطرح شده که در پی آن، ذهن جستجوگر انسان را در پی اهدافی چون هدایت، تعقل و روشن‌گری هدایت نماید

و مراد از مدت زمان آفرینش عالم هستی به شش روز، در واقع همین شش روز دنیایی است، هر چند مقصود و مراد شش دوران می‌باشد اما با دیگر مصادیق و جوهی که مفسرین قرآنی چون ملاصدرا (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۸ و ۱۶۰) در تفسیر القرآن الکریم و زمخشری (زمخشری، ۱۳۹۱: ۲۸۸) در کشف و کشف الاسرار خواجه عبدالله انصاری (انصاری، ۱۳۷۱: ۶۲۸) و نیز طاهر بن عاشور (عاشور، ۱۹۸۴،

۱۶۲) در کتاب التحریر والتنویرش بیان نموده‌اند و نیز در کتاب فتح القدر شوکانی (شوکانی، ۱۳۲۹: ۲۱۱) و هم چنین آیه‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه خود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۰۰ و ۲۱۹ و ۲۴ و ۱۱۱) برای آن برشمرده‌اند، نیز دلالت و مطابقت دارد؛ از این رو خداوند به جدّ این واژه «سته ایام» را بدون مصداق و تعیین زمانی گذاشته است تا دانشمندان درباره قرآن و واژه‌ها و دستورات آن تفکر، تعقل، قضاوت و اندیشه نمایند و به دستور قرآن که بارها فرموده «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ...» (نساء/ ۸۲)، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ...» (نور/ ۶۱)، «أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ...» (انعام/ ۵۰) و «فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ...» (اعراف/ ۱۷۶)، جامه عمل بیوشانند.

سیر خلقت عالم بر اساس قرآن

آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که اشاره به خلقت شش روزه جهان دارد «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ. پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید.» (اعراف/ ۵۴) و نیز آیات دیگری هست که این مطلب را ذکر می‌نماید. (سجده/ ۴) (فرقان/ ۵۹) (هود/ ۷)

البته ظاهر برخی آیات قرآن مثل آیات ۱۰ الی ۱۲ سوره فصلت نشان‌گر آن است که خلقت در شش روز نبوده است اما با دقت در آن چه مفسران ذیل آن‌ها بیان کرده‌اند، این تفاوت از بین می‌رود. قرآن کریم در دو آیه، به صورت گذرا و اجمالی، به مسأله آغاز جهان اشاره کرده است که این آیات به شرح ذیل می‌باشد:

آیه اول: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ... (فصلت/ ۱۱) سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود.»

کلمه «دخان» در لغت به معنای چیزی است که به دنبال شعله و لهیب آتش بر می‌خیزد (ابن فارس: ۱۴۰۴ق، ذیل ماده دخن) (ابن منظور، ۷۱۱ق: ذیل ماده دخن) و «سما» به معنای طرف بالاست (ابن منظور، ۷۱۱ق: ذیل ماده «سمو») که در قرآن در معانی و مصادیق متعددی به کار رفته است از جمله: جهت بالا، (ابراهیم/ ۲۴) جو زمین، (ق/ ۹) محل کرات بالا، (فصلت/ ۱۲) آسمان معنوی، (سجده/ ۶) (مصطفوی، ۱۳۸۵ش: ذیل ماده سمو) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۵) و نیز واژه «استوی» در اصل به معنای اعتدال یا مساوات دو چیز با یکدیگر است (ابن منظور، ۷۱۱ق: ذیل ماده سوی) (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ذیل ماده سوی) و هنگامی که با «علی» متعدی می‌شود، به معنای «استیلا و سلطه بر چیزی» است، مانند: الرَّحْمَنُ عَلَيَّ الْعَرْشِ اسْتَوَى. خداوند بر عرش استیلا دارد و وقتی که با «الی» متعدی می‌شود به معنای قصد است، مانند همین آیه که مورد بحث ما می‌باشد. (طه/ ۵)

پس ظاهر آیات قرآن درباره آغاز خلقت که از «دخان، دود» شروع شده است تا حدود زیادی با نظریه علمی مشهور خلقت جهان (یعنی انفجار بزرگ) هم‌خوانی و اشتراک‌هایی دارد، از طرف دیگر با توجه به تعدد نظریه‌ها در مورد آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آن‌ها، هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌توان به صورت قطعی به قرآن نسبت داد.

آیه دوم: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ». آیا کسانی که کفر ورزیدند، ندیدند که آسمان‌ها و زمین، هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا (باز هم) ایمان نمی‌آورند؟» (انبیاء/ ۳۰)

واژه‌ی «رتق»، به معنای «چیز به هم پیوسته» و «فتق» به معنای «جدا کردن دو چیز متصل به هم» است. (ابن منظور: ۷۱۱ق، ذیل ماده «رتق و فتق») و از ظاهر این دو آیه استفاده می‌شود که قبل از خلقت آسمان‌ها، توده‌ای از گازهای گسترده و عظیم وجود داشته و زمین و آسمان به هم متصل و چسبیده بودند که به قدرت خداوند از هم جدا شده‌اند.

در تفسیر نمونه درباره واژه دخان (دود) آمده است: جمله «هی دخان...، آسمان‌ها در آغاز به صورت دود بود» نشان می‌دهد که آغاز آفرینش آسمان‌ها از توده‌های گازهای گسترده و عظیمی بوده است و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است و هم‌اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده‌ای از گازها و دخان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۲۸)

طبق تحقیقات دانشمندان، زمین در آغاز، توده واحدی بود که بر اثر انفجارهای پی‌در پی از هم شکافت و کپکشان‌ها و منظومه و کرات به وجود آمدند. (همان، ۱۳۸۶: ۱۵۱) و نیز از آیه «كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (هود/ ۷) استفاده می‌شود که «ماء» به معنای آب است اما گاهی به شیء مایع نیز ماء گویند لذا در آغاز آفرینش، جهان هستی به صورت مواد مذابی بوده (یا گازهای فوق‌العاده فشرده‌ای که شکل مواد مذاب و مایع را داشته است) سپس در این توده آب‌گونه، حرکت‌های شدید و انفجارهای عظیمی رخ داده است. (همان، ۱۳۸۶: ۲۶)

مفسران درباره آیه ۳۰ سوره انبیاء (رتق و فتق، پیوستگی و جدایی) سه احتمال را مطرح کرده‌اند:

۱. به هم پیوستگی آسمان‌ها و زمین، اشاره به آغاز خلقت دارد که طبق نظر دانشمندان، مجموعه این جهان، توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارات درون و حرکت، تدریجاً تجزیه شده و کواکب و ستاره‌ها، از جمله منظومه شمسی و کره زمین به وجود آمدند و هنوز هم جهان در حال گسترش است که برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره به این تفسیر دارند. (همان، ۱۳۸۶: ۲۲۸) (حویزی، ۱۳۸۳ق: ذیل آیه ۳۰ سوره انبیاء)

۲. منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است، یعنی همه در هم فرو رفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می‌کرد، اما با گذشت زمان، از هم جدا شدند و ترکیبات جدید و انواع مختلف گیاهان و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۷۸)

۳. منظور از به هم پیوستگی آسمان، نیاریدن باران در آغاز و مقصود از به هم پیوستگی زمین، نرویدن گیاهان در آن زمان است، اما خداوند هر دو را گشود و از آسمان باران نازل کرد و در زمین انواع گیاهان را رویاند که در این خصوص نیز بعضی از روایات اشاره به همین احتمال دارند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق: ۳۴۷)

در مجموع، درمی‌یابیم که جهان، یک قطعه رها شده در فضا بود و سپس تحت تاثیر جاذبه شیء عظیم اجرام سماوی دیگر قرار گرفت و تکه تکه شد و به صورت حلزونی در آمد و سپس این اجزای کوچک، کم کم سیارات را به وجود آوردند.

دکتر موریس بوکای نیز می‌نویسد: دانش به ما می‌آموزد، چنانچه به عنوان مثال تکوین خورشید و محصول فرعی آن یعنی زمین را در نظر بگیریم، جریان امر، توسط تراکم سحابی نخستین و تفکیک آن رخ داده است و این دقیقاً همان است که قرآن به طریق کاملاً صریح با ذکر ماجراهایی که «دود» آسمان ابتدا یک نوع الصاق، سپس یک نوع انفکاک را به وجود آورد، بیان نموده است. (موریس بوکای، ۱۳۶۵: ۲۰۱-۱۸۹)

پس ظاهر آیات قرآن درباره آغاز خلقت جهان که از «دخان، دود» شروع شده است تا حدود زیادی با نظریه علمی مشهور خلقت جهان (یعنی انفجار بزرگ) هم‌خوانی و اشتراک‌هایی دارد، از طرف دیگر با توجه به تعدد نظریه‌ها در مورد آغاز خلقت و عدم اثبات قطعی آن‌ها، هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌توان به صورت قطعی به قرآن نسبت داد.

سوره‌ی بقره آیه ۲۹ که می‌فرماید: «او خدایی است که همه آن چه (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفریده، سپس به آسمان پرداخت...» از ظاهر آیه بر می‌آید که خلقت زمین اول بود و بعد خلقت آسمان شروع شده است. (ما با توجه به وجود حرف «ثم» در «ثم استوي الي السماء» که در ادبیات عرب در همه جا به معنای ترتیب نمی‌آید می‌گوییم «ثم» در این جا نیز به معنای تأخیر زمانی نیست بلکه می‌تواند تأخیر در بیان و ذکر حقایقی پشت سر هم بوده باشد.

اما در سوره نازعات آیه ۳۰ می‌فرماید: زمین را بعد از آن (آفرینش آسمان) گسترش داد «والأرض بعد ذلك دحاها» که واژه «دحو» به معنی گستردن است. بعضی نیز آن را به معنای تکان دادن چیزی از محل اصلیش تفسیر کرده‌اند و چون این معنی لازم و ملزوم یکدیگرند به یک ریشه باز می‌گردد. به هر حال منظور از «دحو الارض» این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب‌های حاصل از باران‌های

سیلابی فراگرفته بود، این آبها تدریجاً در گودال‌های زمین جایی گرفتند و خشکی‌ها از زیر آب سر برآوردند. (همان، ۱۳۶۵: ۱۹۰)

حاصل سخن این‌که: اولاً در تفسیر و تبیین یک آیه، لازم است آیات دیگر را بررسی و تحلیل نمود؛ به سبب این‌که بعضی از آیات، آیات دیگر را تفسیر می‌کنند و نمی‌توان از یک یا دو آیه، نظریه‌نهایی قرآن را بدست آورد.

ثانیاً: از مجموع آیاتی که درباره خلقت آسمان و زمین نازل شده، این نکته بدست آمده که قبل از خلقت آسمان و زمین، توده‌ای از گازهای گسترده و عظیم وجود داشت و زمین و آسمان به هم متصل و چسبیده بودند و در اثر انفجارهای پی‌درپی از هم شکافته و کپکشان و منظومه و کرات دیگر به وجود آمد و با نظریه مشهور علمی، یعنی انفجار بزرگ، هم‌خوانی دارد و آیات ۲۹ سوره بقره و ۳۰ سوره نازعات با آن چه گفته شد و با آیات دیگر درباره خلقت آسمان و زمین هیچ‌گونه تناقضی ندارند.

نتیجه‌گیری

پیرامون این آیات در قرآن مجید نکاتی مهم وجود دارد که باید به این نکات التفات ویژه داشت: نکته نخست این‌که مراد از کلمه یوم (روز) در آیات مورد بحث، پاره‌ای از زمان است، نه روز به معنای معمولی و مشخص؛ چون روز در اصطلاح امروزی، منوط به وجود خورشید و زمین است، ولی در ابتدای خلقت، خورشید و زمین وجود نداشت.

نکته حائز اهمیت دیگر این‌که قدرت خداوند نامحدود است و آن‌چه بخواهد، انجام می‌دهد، اما این‌که چرا عالم را در شش روز (شش مرحله) خلق کرده منافاتی با قدرت خداوند ندارد زیرا گذراندن این شش مرحله به این جهت بوده که این عالم، توانایی فعلیت‌آنی را نداشته است.

از مجموع آیاتی که درباره خلقت آسمان و زمین نازل شده، این نکته بدست آمده که قبل از خلقت آسمان و زمین، توده‌ای از گازهای گسترده و عظیم وجود داشت و زمین و آسمان به هم متصل و چسبیده بودند و در اثر انفجارهای پی‌درپی از هم شکافته و کپکشان و منظومه و کرات دیگر به وجود آمد و با نظریه مشهور علمی، یعنی انفجار بزرگ، هم‌خوانی دارد و آیات ۲۹ سوره بقره و ۳۰ سوره نازعات با آن چه گفته شد و با آیات دیگر درباره خلقت آسمان و زمین هیچ‌گونه تناقضی با هم ندارند. (همان، ۱۳۶۵: ۲۰۰)

نتیجه این‌که اگر انسان، مقوله چپستی خلقت را با استناد به آیات الهی در قرآن کریم مورد کنکاش قرار دهد آن‌گاه می‌تواند با تأکید بر هدف از خلقت، اصول زندگی خود را به نیکویی و به زیبایی بسازد چرا که سخن خداوند در قرآن دقیق‌ترین سخن‌هاست که حُلف آن وجود ندارد و موضوع

سیر خلقت عالم در قرآن به گونه‌ای پی‌ریزی شده است که به دلیل دارا بودن نکات دقیق، برای تمام عصرها، جذابیت دارد.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۳۸۵ق)؛ **علل الشرایع**، مکتبه الداوری، قم- ایران، ج ۲، باب ۲۲۲، روایت ۳۳، ص ۴۷۱.
- ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹هـ)؛ (متوفی ۵۳۹۵هـ)، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دارالجمیل.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴هـ)؛ متوفی ۷۱۱ق، **لسان العرب**، دار البیروت، ذیل ماده سمو و دخن.
- احمد محمد سلیمان، (۱۹۸۱م)؛ **القرآن و العلم**، دارالعودة، بیروت، الطبعة الخامسة.
- امین، سیده نصرت، (۱۳۶۲)؛ **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**، تهران، نهضت زنان مسلمان، نشر گلپهار، ۱۳۶۱ش.
- انصاری، عبدالله بن محمد، (۱۳۷۱)؛ **کشف الاسرار و عده الابرار**، ترجمه ابوالفضل رشید الدین میبدی، نشر امیرکبیر، تهران- ایران، ج ۳، ص ۶۲۸.
- بابایی، علی، (۱۳۸۲)؛ **برگزیده تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۵۴.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)؛ **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم- ایران، موسسه البعثه، مرکز الطباعة والنشر.
- بزازش، علیرضا، (۱۳۹۶)؛ **تفسیر اهل البيت عليهم السلام**، نشر امیر کبیر، ج ۵، ص ۱۷۰ و ج ۶، ص ۵۹۶.
- توفیقی، حسین، (۱۳۷۴)؛ **آشنایی با ادیان بزرگ**، تهران، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مؤسسه فرهنگی طه.
- ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ق)؛ **تفسیر روان جاوید**، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم.
- جعفری، محمد تقی، (۱۴۰۰ش)؛ **آفرینش و انسان**، موسسه تدوین و نشر آثار استاد جعفری.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۸ق)؛ **المستدرک علی الصحیحین**، لبنان- بیروت، دارالتأصیل.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین ابن احمد، (۱۳۶۳ش)؛ **تفسیر اثنی عشری**، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول.
- حقی، اسماعیل بن مصطفی، (۱۱۱۷ق)؛ **تفسیر روح البیان**، بیروت، لبنان، دارالفکر.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۳۸۳ق)؛ **تفسیر نورالثقلین**، مطبعه العلمیه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ایران، قم.
- حنیف نیا، ابراهیم، (۱۳۸۹)؛ **نظام خلقت در قرآن و روایات**، نشر نوروزی، چاپ اول.
- راز، فخر. **التفسیر الکبیر**، (۱۴۲۰ق)؛ ج ۲، ص ۱۰۳، ج ۱۷، ص ۱۲ و ج ۲۵، ص ۱۶۸.
- رضایی، رضا؛ **مقاله آفرینش جهان هستی در قرآن و عهد عتیق**.
- زمانی، علی، (۱۳۷۹)؛ مقاله آغاز آفرینش، **مجله کلام اسلامی**، شماره ۳۳.

- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۹۱): **کشاف**، مترجم: مسعود انصاری خوشابر، نشر ققنوس، ج ۳، ص ۲۸۸.
- شوکانی صنعانی، محمد بن علی بن محمد، (۱۲۲۹-۱۲۳۲): **تفسیر فتح القدير**، قاهره، ج ۲، ص ۲۱۱.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۰۵۰ هـ.ق): **تفسیر القرآن الکریم**، نشر بیدار، قم، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۸): **تفسیر المیزان**، سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۲، ج ۱۴، صص ۲۷۸-۲۷۹.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م): **التفسیر الکبیر**، دار الکتب الثقافی، اردب، اردن، ج ۳، ص ۱۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۴): **تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، قم، ناصر خسرو، ج ۲، ص ۴۲۸-۴۲۷، طبع ۱۴۰۳ هجری.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۸۷): **مَجْمَعُ البُحْرَيْنِ وَ مَطْلَعُ النَّبْرَيْنِ**، المكتبة المرتضویه، ج ۴، ص ۱۴۱.
- طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸): **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، جلد ۹، صص ۳۴۵ و ۳۴۶.
- عاشور التونسی، محمد بن محمد الطاهر (۱۹۸۴): **التحریر و التنویر، الدار التونسیه للنشر**، تونس، ج ۸، ص ۱۶۲.
- عاملی، ابراهیم، (۱۳۵۹ش): **تفسیر عاملی**، تهران- ایران، نشر صدوق، ۱۳۵۹ش.
- عباشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰): **تفسیر عباشی**، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران- ایران.
- فارسی نژاد، علیرضا، دژآباد، حامد، (۱۳۸۸): **فصل نامه تخصصی «اندیشه دینی» دانشگاه شیراز**، پیاپی ۳۰، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق): **تفسیر کبیر**، بیروت و نجف و قم، ج ۲، ص ۱۰۳، ج ۱۷، ص ۱۲ و ج ۲۵، ص ۱۶۸.
- فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۲ق): **تفسیر صافی**، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، الطبعة الثانية، ج ۳ قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش): **تفسیر نور**، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ج ۱۱، ج ۳، ص ۵۳۷.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۴ش): **تفسیر احسن الحدیث**، نشر بنیاد بعثت، تهران، ج ۳، ج ۱۰، ص ۳۱۴.
- قطب، سید، (۱۴۰۸ق): **فی ظلال القرآن**، بیروت، لبنان، دار الشروق.
- مجلسی، محمد باقر (۱۰۳۷-۱۱۰ق). **بحار الانوار**، دارالکتب الاسلامیه. ج ۵۴، ص ۷۲.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱): **معارف قرآن (خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی)**، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش): (متوفی: ۱۴۲۶ ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران- ایران، ذیل ماده سمو.
- مطهری، مرتضی، (۱۴۰۰): **منطق و فلسفه کلیات علوم اسلامی**، نشر صدرا، ایران، تهران، صص ۱۳۰-۱۳۱.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۶ش): **تفسیر الکاشف**، مترجم مویب دانش، بوستان کتاب قم.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶): **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۱ و ۵ و ۶ و ۹.
- ملاصدرا، (۱۳۶۶): **تفسیر القرآن الکریم**، نشر بیدار، ایران-قم، ج ۶، صص ۲۸ و ۱۶۰.
- مؤتق عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰ش): **تفسیر عاملی**، تهران، صدوق.

موريس بوكاي، (۱۳۶۵ش)؛ مقایسه‌اي میان تورات، انجيل، قرآن و علم، ترجمه‌ي ذبيح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ص ۱۸۹ - ۲۰۱.

میبدی، رشیدالدین، (۱۳۷۱ش)؛ تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، نشر امیر کبیر، چ ۵.

نرم افزار جامع التفاسیر (CD جامع تفاسیر نور)

www.tadabor.org

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: کیانی طلعت، موسوی سیدرضا، میرانی ارسطو، زارعی سمنگان رضا، تحلیل آفرینش عالم از منظر قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۹، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۶۳-۱۳۷.